«فرهیختگان» محتوای تبلیغاتی نامزدها را بررسی می‌کند

بایکوت مسائل اصلی دانشگاه در میزگردهای انتخاباتی

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

انتخابات زودهنگام کشور به خاطر شهادت رئیس دولت سیزدهم در ۸ تیرماه برگزار می‌شود. این امر باعث شده مناظره و میزگردهای انتخاباتی امروز به‌عنوان اصلی‌ترین برنامه‌های تلویزیون به شمار آید. برنامه‌هایی که در آن شش کاندیدا برای ایجاد دولت چهاردهم، تلاش می‌کنند تا با طرح دیدگاه‌هایشان در حوزه‌های مختلف و همچنین ارائه برنامه‌هایشان بتوانند سبد رای بیشتری را از آن خود کنند. در این میان حوزه آموزش عالی هم یکی از حوزه‌هایی بود که سوالات مختلفی پیرامون آن در میزگردهای فرهنگی، برنامه صف اول و دومین مناظره انتخاباتی طرح شد و کاندیداها نیز پاسخ‌های متفاوتی را نسبت به آن مطرح می‌کردند. در این گزارش اظهارنظرهای کاندیداها در برنامه‌های مختلف تلویزیونی پیرامون آموزش عالی آورده شده است.

سعید جلیلی:

به دنبال ایجاد سازوکاری مانند نظام پزشکی برای حوزه علوم انسانی هستیم

امروز جمعی از نخبگان محضر مقام معظم رهبری بودند و چند جمله درخشان شنیدند از جمله اینکه شما می‌توانید تاریخ را تغییر دهید، این را بگذارید در کنار اسناد بالادستی و نگاه‌های مقام معظم‌رهبری که نخبه‌پروری از نظر ایشان یک کار اساسی و لازم است. همچنین یکی از ارزش‌های جامعه ما عدالت اجتماعی است و به نظر می‌رسد برخی از افراد بین این دو نوعی از تعارض را می‌بینند. چطور این تعارض را حل می‌کنید تا نقش پرشکوهی که برای ایرانیان قائل هستید به طریق اولی برای نخبگان قائل باشید؟

ما ده‌ها هزار هیات علمی داریم که آنها یک اندوخته و گنج بزرگی برای کشور هستند. در زمینه‌های مختلف علمی کار کرده و در کنار آن میلیون‌ها دانشجو و دانش‌آموخته هستند که آنها هم ظرفیت بزرگی هستند. سوال بنده این است اگر ما از پیشرفت و جهش کشور صحبت می‌کنیم، نقش این قشر در تحقق آن چیست؟ حق دانشگاه است که حتما در پیشرفت و جهش کشور یک ماموریت داشته و بتواند سهم خودش را ایفا کند. اگر ما می‌گوییم هر ایرانی یک نقش بی‌بدیل و منحصربه‌فرد دارد، ایرانی با این ظرفیت بزرگ استفاده نشده، آن مقدمه و خط اول چه کسانی هستند؟ طبیعتا همین اساتید و دانشجویان خواهند بود که ظرفیت خوبی در این زمینه دارند. ما امروز در برنامه هفتم رشد ۸ درصد را تعریف کرده‌ایم. حال سهم دانشگاه‌ها در رسیدن به این رشد چیست؟ در اینجا دو نگاه وجود دارد. یک نگاه می‌گوید ما یک وزارتخانه آموزش عالی داریم که باید بیاید درس ما را تدوین کرده و در دانشگاه‌ها به دانشجویان تدریس شود، این نگاه بسیار حداقلی است. در دانشگاه‌های ما ظرفیت بسیار خوبی وجود دارد تا همان‌هایی که تحقیق و پژوهش می‌کنند حالا یک ماموریتی برای تحقق اولویت‌های کشور داشته باشند. آن اولویت را هم باید تعیین کرده و دانشگاه را در این زمینه مسهم کنیم. مثلا می‌گوییم درآوردی امروز یک اولویت برای کشور است، سهم دانشگاه‌ها می‌کنیم یک راه‌حل برای دانشگاه‌های مختلف ما این است که از ترم اولیه، این ماموریت تعیین شود و کسی که رئیس دانشگاه است باید بداند که چنین ماموریتی را باید به سرانجام برساند. این‌گونه یک نهضت حل مسائل در کشور ایجاد می‌شود و این تنها در مسائل فنی هم نخواهد بود، بعضی اگر از اشتغال صحبت می‌کنیم یکی از ماموریت‌هایی که خود دانشگاه باید در آن پیشگام شود ایجاد شغل برای دانشجویان و دانش‌آموختگان خودش است. این ظرفیت خوبی که امروز در حوزه دانش‌بنیان داریم می‌تواند این امر را محقق کند. در حوزه علوم انسانی هم همین است و ما مسائل مختلفی در کشور داریم و در حال تخصیص داده‌ایم. بنده معتقدم که در برنامه هفتم هم می‌گوییم رشد هشت درصدی، سوال این است که این رشد چگونه به دست می‌آید؟ این‌طور نیست که بگوییم خیلی خب، ما چند پروژه را به چندین وزارتخانه می‌دهیم و آنها هم انجام دهند. مثلا ما چندین شاخص در این زمینه داریم، یعنی مثلا می‌گوییم نخبگان حوزه علوم انسانی که چه می‌شود؟ ما محاسبه کرده‌ایم، می‌توانند تبدیل به یک جهان قوی شوند، البته شاید این سوال پیش آید که در کنار اسناد بالادستی و نگاه‌های مقام معظم‌رهبری که نخبه‌پروری از نظر ایشان یک کار اساسی و لازم است، همچنین یکی از ارزش‌های جامعه ما عدالت اجتماعی است و به نظر می‌رسد برخی از افراد بین این دو نوعی از تعارض را می‌بینند. چطور این تعارض را حل می‌کنید تا نقش پرشکوهی که برای ایرانیان قائل هستید به طریق اولی برای نخبگان قائل باشید؟

نگاه‌های مقام معظم‌رهبری که نخبه‌پروری از نظر ایشان یک کار اساسی و لازم است، همچنین یکی از ارزش‌های جامعه ما عدالت اجتماعی است و به نظر می‌رسد برخی از افراد بین این دو نوعی از تعارض را می‌بینند. چطور این تعارض را حل می‌کنید تا نقش پرشکوهی که برای ایرانیان قائل هستید به طریق اولی برای نخبگان قائل باشید؟

همان طور که مقام معظم‌رهبری بارها فرمودند و ایشن بار هم تاکید کردند، وقتی ما از یک جهان فرصت صحبت می‌کنیم یکی همین حوزه است. ما امروز در نقطه و برنگاهی هستیم که برای فرهنگی که برای تفکر و تغلیر برک تغلیر استفاده نشده باشد و در دولتی که ما آن را دنبال می‌کنیم اگر بخواهم رئیس دانشگاهی را انتخاب کنم، برای ما ماموریت تعریف می‌کنیم، یعنی می‌گوییم مثلا فلان میزان از آرزاوری کشور برعهده اوست. یکی از اساتید دانشگاه به من گفت که مثلا دانشگاه استعدورد ما ۱۰ هزار دانشجو، امروز دهمین هلدینگ اقتصادی جهان است، حتی امروز می‌بینیم در تظاهراتی که در دانشگاه‌های آمریکا در حمایت از فلسطین صورت می‌گیرد نیز یکی از خواسته‌ها آن است که می‌گویند رابطه اقتصادی آن دانشگاه با رژیم صهیونیستی قطع شود. یعنی آن دانشگاه در تعاملات اقتصادی قرار دارد. می‌خواهم بگویم برای دانشگاه چنین ماموریت‌هایی تعریف شده و سوال بنده این است که آیا ما نباید برای دانشگاه‌هایمان چنین سهمی را قائل باشیم؟ این حق دانشگاه است که برای اشتغال دانشجو و دانش‌آموخته خودش و همچنین برای کشور ارزآوری داشته باشد، آن وقت این مساله به شما یک نوع نگاه از موفقیت را می‌دهد که دانشگاه نشاط اجتماعی‌اش زیاد شده و در مقابل مهاجرت هم کم می‌شود. طبیعتا وقتی دانشجو می‌بیند در اینجا می‌تواند بزرگ‌ترین پروژه‌ها را انجام دهد و از او نیز استفاده می‌شود، اینجا می‌ماند. اینها زمانی شکل می‌گیرد که به علوم پایه هم ارزش داده شود، البته شاید این سوال پیش آید که در کنار همه این‌ها، آن گرانهایی بگیرد، می‌توانند طبابت کنند برای فارغ‌التحصیلان علوم انسانی همچنین سازوکاری را داشته باشیم، مساله حل می‌شود تا از این طریق بگوییم آنها می‌توانند عهده‌دار بسیاری از مطالعاتی که در دولت انجام می‌دهند، باشند. یکی از اولویت‌هایی که داریم و اگر بنده انتخاب شوم از همین شهریورماه امسال این مهم را در نظر داریم تا در دانشگاه‌ها آن را دنبال کنیم البته در ابتدا تهدید را تهدید در چند دانشگاه به صورت الگو آن را دنبال می‌کنیم.

توجه بیشتر به نخبه را مانعی عدالت اجتماعی نمی‌دانید؟

یکی از کارهایی که دکتر بزدانی (مشاور سعید جلیلی) که از نخبگان کشور به‌ویژه در عرصه علوم انسانی هستند و چه کارهای بسیار ارزشمند به شمار می‌رود اینجاست که چگونه نخبگان بتوانند با حکمرانی ارتباط داشته باشند. یکی از بحث‌های جدی که اهمیت دارد، همین موضوع است. از جمله مباحث غلطی که در حال القا است و معتقدم یکی از آسیب‌های فرهنگی است، تعارض ارزش و علم است، این از آن مباحث غلطی است که غربی‌ها بر یک مبنا شکل داده‌اند، درحالی‌که کاملا قابل اثبات است این دو ارزش، هر دو در یک راستا بوده و می‌توانند با یکدیگر جمع شوند. درباره نکته‌ای که گفتید این حوزه چه ارتباطی با عدالت دارد؟ باید بگویم که عدالت همین جاست که هرچه در جایگاه خودش قرار می‌گیرد. یعنی اگر یک کسی نسبت به من در فلان رشته ورزشی استعدادی دارد، نباید بگوییم که او باید مثلا با من مساوی باشد و این مهم یک مغالطه است، ما می‌خواهیم متناسب با استعدادهای کشور، برنامه‌ریزی کنیم تا هر استعدادی بتواند نقش پرشکوه خود را ایفا کند. اشکال کار در اینجا آن است که یک عده‌ای فقط بتوانند به شکل دوپینگ استعداد خودشان را شکل و بروز دهند و عده‌ای که استعدادهای واقعی دارند، استعدادشان دیده نشود و اینکه می‌گوییم همه ایران سرای من است، همین مساله است. یعنی وقتی صحبت از نظام نخبگی می‌کنیم باید در کنار آن نظام استعدادیابی افراد در رشته‌های مختلف را هم به‌شدت باشیم و این بستر را فراهم کنیم؛ چراکه شاید فردی در فلان زمینه هنری، ورزشی و علمی بتواند شاخص بشود اما در شرایط عادی این امکان وجود ندارد و موضوع عدالت اینجا اهمیت دارد. یعنی نظام نخبگی یا نظام استعدادیابی و فراهم کردن پرورش استعدادهاست.

اختلاف نظری بین سیاستگذاران حوزه آموزش عالی وجود دارد و در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم این اختلاف نظر به نشر هایی منجر شده، مبنی بر اینکه شاخص‌های ارزیابی خروجی آموزش عالی چیست؟ برخی معتقدند انتشار مقالات علمی واجد ارزش نیست و تاکید روی این حوزه از سوی اساتید باعث شده تا مقالات صوری و جعلی افزایش یابد و در مقابل در سطح بین‌المللی، شاخص مقالات علمی به خصوص در مجلات معتبر، به هر حال یک معیار سنجش وضعیت علمی کشورها به‌شمار می‌رود و اگر ما باشد ما در مسابقه بین‌المللی علمی شرکت کنیم، مانند ورزش نمی‌توانیم بگوییم مقررات را قبول نداریم، نظرات در این زمینه چیست؟

یکی از برنامه‌های اصلی و اولویت‌های دولت من بحث دانشگاه‌هاست. بنده معتقدم که در برنامه هفتم هم گفته‌ایم رشد هشت درصدی، سوال این است که این رشد چگونه به دست می‌آید؟ این‌طور نیست که بگوییم خیلی خب، ما چند پروژه را به چندین وزارتخانه می‌دهیم و آنها هم انجام دهند. مثلا ما چندین شاخص در این زمینه داریم، یعنی مثلا می‌گوییم

ادامه در صفحه ۵

سیدامیرحسین قاضی‌زاده هاشمی:

مواضع صریحی درباره اغتشاشات سال ۱۴۰۱ داشتم

در سال ۱۴۰۱، کشور شاهد برخی از چالش‌هایی در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی بود و برای چند ماه ما فضای ناآرامی داشتیم، اما در آن ایام حضور فعالی از شما در بین جوانان و دانشجویان ندیدیم، البته تا آذرماه که بعد از هماهنگی‌های دولت، شما در دانشگاه قم و سیستان‌وبلوچستان حاضر شدید، دلیل سکوت شما چیست؟

حالا با وجود وجوی شما (کارشناس برنامه) کامل نبوده یا فضای مجازی به‌خوبی انعکاس داده نشده، ولی بنده قبل از آنچه دولت برنامه‌ریزی برای حضور در دانشگاه‌ها داشته باشد، در بیش از ۱۰ دانشگاه هم در تهران و هم استان‌هایی مانند زنجان، خراسان‌رضوی، خوزستان و... حضور داشتم. بنده در طول ۳ سال و نیم بیش از ۷۰ سفر استانی داشتم، به‌ویژه در ایام اغتشاشات، برنامه دانشجویی هم عمدتا برای تبیین همین موضوع داشتم. اساسا مساله اغتشاشات سال ۱۴۰۱ را فرهنگی می‌بینم، یعنی برخلاف فتنه‌های قبلی که جنبه‌های سیاسی و بعضا امنیتی و اقتصادی داشت، این بار کاملا جنبه فرهنگی داشت. یعنی سیری از اختلالات فرهنگی و هجوم رادر کشور داشتیم و مانه تنها کار تبیینی، بلکه کار تربیتی مناسب در زیرساخت‌های جامعه به‌ویژه در آموزش‌وپرورش انجام نداده بودیم و به همین دلیل این مهم خودش را در سن جوانانی که تازه فارغ‌التحصیل شده بودند، نشان داد. مواضع بنده هم بسیار صریح بود و اگر مواضع مسیح علی‌زاد را نگاه کنید، به برخی از مطالب من در صفحه‌اش اشاره کرده و بنده را مورد حمله قرار داده بود.

اگر رئیس دولت شوید، در حوزه آموزش عالی و برای برقراری ارتباط میان دانشگاه با بازار و صنعت چه برنامه‌ای دارید؟

بنده ۲۳ سال درس خوانده‌ام تا مشخص شوم و کسانی که فوق‌تخصص می‌شوند تا ۲۵ سال هم درس می‌خوانند و نصف این زمان برای رسیدن به بازار کار اضافه است، تازه در این بین بحث سربازی و گذراندن دوره طرح هم قرار دارد. حالا تازه فرد در ۴۰ سالگی می‌خواهد ازدواج کند. در سایر رشته‌ها هم فرد تا ۳۰ سالگی درس می‌خواند و بعد می‌گوییم آسیب اجتماعی زیاد شده یا سن فرزندآوری افزایش یافته. ما باید بتوانیم نرخ بهروری نیروی انسانی را افزایش دهیم، یعنی به‌سرعت فرد را به بازار کار و مهارت برسانیم، ضمن اینکه باید وضعیت موجود را بهبود دهیم و در نظام آموزش عمومی هم تغییر جدی ایجاد کنیم. ما باید بتوانیم حوزه آموزش عالی و نخبگان را به اقتصاد پیوند بزنیم، یعنی در دانشگاه‌های ما باید دفاتری از بخش اقتصادی کشور مستقر شوند و سفارش کار دهند و استعدادیابی کنند. در جریان اخیر آمریکا که جنبشی در دانشگاه‌ها ایجاد شد، دفاتر آن دانشگاه‌ها می‌رود روابط اقتصادی پیدا می‌کند و پژوهش می‌خرد و استاد را وارد فضای کاری خودش می‌کند. ما باید چنین کاری را برای دانشگاه‌های داخل هم انجام دهیم. می‌خواهیم نخبگان مهاجرت نکنند؟ باید درآمد آنها را زیاد کنیم و بسیاری از این بحث‌ها چون درآمدهایشان نسبت به بیرون کمتر است از کشور می‌روند. راه این حوزه هم شرکت‌های دانش‌بنیان است. شرکت‌هایی که در سطح ملی و بین‌المللی فعال بوده و می‌توانند نخبگان را به کار گرفته و خلق ثروت کنند. خوشبختانه در دولت شهید رئیسی یک رشد عجیب‌وغریب در این حوزه اتفاق افتاد، مثلا ۶۴ درصد در ۲ سال به او اضافه شده‌اند. کسی که حرف حق را می‌زند، باید با او برخورد کنیم؟ به جای برخورد با او باید خودمان را اصلاح کنیم.

برای حفظ نخبگان و شایستگان در کشور چه برنامه‌ای دارید؟

باید حق شان را بدهیم. بسته به جایگاهی که دارند، باید این کار را کنیم. امروز اساتید ما از ایران می‌روند، دلیلش آن است که یک فرد تازه از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده با رئیس فردی می‌کنیم که استاد دانشگاه بوده و اصلا با او هم قابل قیاس نیست. وقتی ما این فرد را گذاشتیم، آن استاد دل زندگی‌اش به هم می‌ریزد، یعنی ما به آنها پول درست و حسابی نمی‌دهیم و زندگی‌شان را نمی‌توانیم تامین کنیم، حداقل احترام آنها را حفظ کرده و بهاحترامش نکنیم. تولیدکننده ما وقتی می‌خواهد تولید کند، هزار بلا سرش می‌آورم و در این شرایط فرار از کشور می‌رود. امروز همین مسائل ما از ایران برود، حقوقی که ایجابیه ما می‌دهیم، هزار دلار نیست در حالی‌که در خارج از کشور به او ۱۰ هزار دلار حقوق می‌دهند. خب وقتی استادی برای هزار دلار کار می‌کند، حداقل به او احترام بگذاریم و افراد کم‌توان را رئیس یا بالاسر آنها قرار ندهیم و این مسائلی است که باعث فرار آنها می‌شود.

شما اگر رئیس جمهور شوید چه تدبیری برای متوقف کردن ماشین اخراج اساتید و اعاده حیثیت از کسانی که اخراج شده‌اند، خواهید داشت؟

بنده به‌هیچ‌وجه اخراجی مخالفم. بنده اول و بعد از انقلاب، مسئول گزینش و پاکسازی بعد از دانشگاه‌های من یک استاد و کارمند را هم اخراج نکردم. بنده چه کاره هستم در این زمینه؟ اگر فردی جرمی مرتکب شده، دادگاه باید برای آن حکم دهد و او را اخراج کند؟ اما بنده به‌عنوان یک فرد اگر با کسی مساله‌ای دارم او را اخراج کنم، این کار هیچ منطقی ندارد. رفتارهایی که دفاع می‌کردیم، درحالی‌که آن زمان قدرت داشتیم اما هیچ‌گاه به استادی بی‌احترامی نکردیم. حتی زمانی که بنده وزیر شدم هم امکان نداشت استادی بیاید و بنده جلوتر از او وارد اتاق شوم. مساله دیگری که باید به آن اشاره کنم اینکه هیچ ممکن است وقتی از حق و عدالت صحبت می‌کنیم، اگر کسی در جامعه‌ای حق را می‌گوید، تا او برخورد نکنیم؟ امروز در این جامعه دانشجو در یک جریانی اعتراض کرده، حالا آمده‌اند او را بیرون و تحریم کرده‌اند. حالا می‌پرسیم چرا او را بیرون کرده‌اید؟ یک انگی هم به او چسبانده‌اند. کسی که حرف حق را می‌زند، باید با او برخورد کنیم؟ به جای برخورد با او باید خودمان را اصلاح کنیم.

محمدباقر قالیباف:

رشد علمی کشورهای حاشیه خلیج فارس بادکنکی است

نخبگان موتورهای محرک پیشرفت در کشور هستند و به کارگیری و فرصت استفاده از نخبگان از عوامل مؤثر در این زمینه است تا پیرسنگی به نظام حکمرانی فرایض پیدا کند و ساله شایسته‌سالاری در این زمینه بسیار مهم است. چرا حاکمیت شایسته‌سالاری آن‌طور که باید اتفاق نیفتاده و برای رفع این مشکل چه کار باید کرد؟

اگر بخواهیم تحول ایجاد کنیم- حتی در بحث اقتصادی که موضوع اول ما است- وقتی از اندیشمندان حرف می‌زنیم، به این مساله اشاره می‌کنیم که کشور ما باید مولد باشد. وقتی می‌گوییم مولد باشیم، سوال این است که چه چیز را باید تولید کنیم؟ در این راستا باید ۲ موضوع قدرت، ثروت، معرفت و منزلت را تولید کنیم. ما در حکمرانی چه کار می‌کنیم؟ در حکمرانی، یک مدیر قوی در سطح زیرین جمهور باید بتواند هر ۴ موضوع را با هم تولید کند. یعنی فهم کنیم چگونه منزلت را به ثروت تبدیل کنیم؛ چراکه ممکن است از مسیر فعالان فرهنگی یکی ثروت داشته باشد و پا بدان و هزینه‌های گزاف و اسراف بخواهد برای خودش منزلت ایجاد کند، اما گاهی هم پا مساوات برای خودش منزلت درست می‌کند و قطعا اینها با یکدیگر متفاوت است. وقتی حرف از فرهنگ و موضوعات اجتماعی می‌زنیم، موضوعات اجتماعی هم‌وجه فرهنگی، هم سیاسی و هم اقتصادی دارند. ما بدون علم و دانش و نخبگان محال است بتوانیم این راه‌حل را دهیم. ما برای تحقق این حوزه دو عنصر نخبگان و مردم را داریم و هرگاه این عناصر را حذف کنیم، در درلوپ ناکجاآباد می‌افتیم و هم چیز را از دست می‌دهیم. نخبگان ما باید شاد باشند و امید داشته باشند. نخبگان مشکل را به مساله تبدیل می‌کنند، وگرنه افراد ضعیف چه در مدیریت و چه در عدم به کارگیری اندیشمندان، مشکل را از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل و تنها وضعیت را بدتر می‌کنند. تاثرازی‌های کشور نیز به خصوص در همین حوزه است، لذا من در دولت چهارده‌م و در دولت خدمت و پیشرفت اساسا در بهروری دو مبنا خواهم داشت، یکی مباحث مربوط به علم و دانش و دیگری مدیریت و مدیریت قوی و مدیر قوی.

وزیر علوم گزارشی را درباره افول علمی کشور مطرح کرده‌اند. برای بازگشت به مسیر رشد علمی گذشته و بهتر از آن چه برنامه‌ای دارید؟

بعضی از کشورهای منطقه، در حوزه جهش علمی و تولید مقاله شاید رشدشان نسبت به ما بیشتر شده- البته نمی‌خواهم مباحث فنی داشته باشم- با این حال باید بگویم برخی از این رشدها، رشد بادکنکی است. یعنی برخی از آنها اساتید برجسته را آورده و یا کمک آنها و برنداشته برخی مقالات را می‌نویسند. به همین دلیل اینکه فکر می‌کنیم این بعدا تبدیل به تحولات می‌شود، این‌طور نیست. اما زنگ خطر این کار خورده را می‌زنم به این معنا که ما نباید با این رشد بادکنکی افراد خودمان را فریب دهیم و به آنها بگوییم که ما در دانشگاه‌ها سند توسعه‌یافته داریم و باید دربی ما باشید. ما باید سرمایه‌گذاری و درصدی از اعتبارات در حوزه تحقیق و فرصت‌هایی که در دانشگاه‌ها سبت مورد توجه قرار گیرد و ما حتما این کار را انجام می‌دهیم. نکته دوم اینکه حرف اسناد را بشنویم و منزلت و شادابی او را در نظر داشته باشیم و این مهم خروش اتفاقاتی را برای ما رقم می‌زند و این کار را نیز باید شناسه نمی‌توانیم انجام دهیم، یعنی حتی اگر یکی هم با او تند هم اما منزلتش را حفظ کنیم، دانشگاه را محل درآمدزایی خواهد کرد.

علیرضا زاکانی:

نمی‌توانیم برای یکپارچه کردن آموزش در حوزه پزشکی، آموزش عالی را دوباره جراحی کنیم

امروز با توانی در استفاده از افراد شایسته در جایگاه‌های مختلف رویه‌رو هستیم و بچطور می‌توان این موانع را برطرف کرد تا تضمین کنیم بهترین توانمندی‌ها در خدمت رشد کشور قرار می‌گیرند؟

بیشتر دانشگاه‌های ما مکش و امکانات لازم را هم داشته باشند. قطعا هم هست آن فردی که پزشک می‌شود، کیفیت و قابلیت لازم را داشته و بتواند به خوبی خدمت کند. در پاسخ این نسبت به مدیریت با شما موافق هستم و در پاسخ دوم به مقام باز پاسخ می‌شود؛ اما ناظر به این بود که سازمان بهداشت جهانی این جنس کار را به عنوان یک نوآوری ویژه برای ایران دیده و وقتی از سیستم آن اچ‌ام‌آی انگلیس بازدید کردیم، آنجا می‌گفتند این یک کار ویژه و اساسی است که از سوی ایران انجام می‌شود. البته نکته‌ای هم وجود دارد که نظام آموزش در برخی کشورها یکپارچه است، یعنی آموزش‌وپرورش و آموزش عالی یکپارچه است و اگر ما این نکته را داشتیم، آن وقت دیگر بخش‌ها هم باید به این مهم ملزم می‌شدند، اما امروز می‌بینیم نظام پزشکی و چهارچوب تربیتی ما ناظر به حوزه دیگری است و براساس آن رشد کرده و باید اعتبار حوزه را ساماندار داد، یعنی اینکه بخواهیم دوباره آن را جراحی کرده و به ۲۰ سال پیش برگردیم، شاید آسیب‌های جدی را بزند لذا بحث را باید در مقام کارشناسی دنبال کرد و این را نفی نمی‌کنم و آثار و اثرات آن را دید و بعد نسبت به آن تصمیم گرفت.

اگر رئیس دولت شوید، در حوزه آموزش عالی و برای برقراری ارتباط میان دانشگاه با بازار و صنعت چه برنامه‌ای دارید؟

در نظام آموزش عالی اتفاق عجیبی رخ داده و آن هم اینکه پزشکان آموزش عالی ویژه خودشان را در قالب وزارت بهداشت درست کردند و هیچ کشوری بحث آموزش را تفکیک نکرده و این قدرت باعث منافع را ایجاد می‌کند، شما اگر در مقام رییس‌جمهوری قرار بگیرید، برای رفع این تعارض منافع چه می‌کنید؟

بنده پزشک هستم و به این هم افتخار می‌کنم و خادم مردم هم هستم. پزشکان بخشی از جامعه هستند و خدماتی را ارائه می‌کنند. بنده در دوره‌ای بزرگ به دانشگاه رفتیم و آنجا هم دیدیم که مدیران غیرپزشکی بر سرکار هستند. این حرف درستی است و آنچه در چهارچوب پزشکی و نظام سلامت نیاز داریم، این نیست که حمایتی پزشک مدیریا مسئول باشد؛ چراکه این مهم یکی به خانمی افراد دارد. شاید فردی در سیستم پزشکی و مدیریت متبحر باشد و متصدی بخشی از بیمارستان باشد، درحقیقت بنده، مسئولیت گرفتن افراد را ناظر به شایستگی می‌دانم. اما نکته دوم اینکه پزشکان و پرستاران ما بیشترین زحمت را کشیدند و بیشترین خدمت را هم می‌کنند، به همین دلیل باید توجه‌ای که لازم است را نسبت به آنها داشت. در مقابل هم باید تعارض منافع این حوزه را از بین برد. بین خود پزشکان تعارض منافعی وجود دارد یعنی وقتی وزرا از یک صنف پزشکی بودند تعهد به آن سمت چربیده شد و این غلط است و باید بازبینی شد و مبتنی بر واقعیت جامعه پزشکی و خدمات در نظر گرفته شود. نکته دوم با نظر پرستاران و دستیاران تخصصی و فوق تخصصی است که باید اساسا به آنها توجه ویژه‌ای شود. ظرفیت‌های پزشکی هم یک ویژگی است که باید مورد توجه و بازبینی قرارگیرد؛ چراکه این حوزه حیاتی نیست که کمیت و عدد و رقم را به‌گونه‌ای کم و زیاد کنیم، چون که ما به ازای آن، می‌توانند ارگذار باشد.

اگر رئیس دولت شوید، در حوزه آموزش عالی و برای برقراری ارتباط میان دانشگاه با بازار و صنعت چه برنامه‌ای دارید؟

ما ده‌ها هزار هیات علمی داریم که آنها یک اندوخته و گنج بزرگی برای کشور هستند. در زمینه‌های مختلف علمی کار کرده و در کنار آن میلیون‌ها دانشجو و دانش‌آموخته هستند که آنها هم ظرفیت بزرگی هستند. سوال بنده این است اگر ما از پیشرفت و جهش کشور صحبت می‌کنیم، نقش این قشر در تحقق آن چیست؟ حق دانشگاه است که حتما در پیشرفت و جهش کشور یک ماموریت داشته و بتواند سهم خودش را ایفا کند. اگر ما می‌گوییم هر ایرانی یک نقش بی‌بدیل و منحصربه‌فرد دارد، ایرانی با این ظرفیت بزرگ استفاده نشده، آن مقدمه و خط اول چه کسانی هستند؟ طبیعتا همین اساتید و دانشجویان خواهند بود که ظرفیت خوبی در این زمینه دارند. ما امروز در برنامه هفتم رشد ۸ درصد را تعریف کرده‌ایم. حال سهم دانشگاه‌ها در رسیدن به این رشد چیست؟ در اینجا دو نگاه وجود دارد. یک نگاه می‌گوید ما یک وزارتخانه آموزش عالی داریم که باید بیاید درس ما را تدوین کرده و در دانشگاه‌ها به دانشجویان تدریس شود، این نگاه بسیار حداقلی است. در دانشگاه‌های ما ظرفیت بسیار خوبی وجود دارد تا همان‌هایی که تحقیق و پژوهش می‌کنند حالا یک ماموریتی برای تحقق اولویت‌های کشور داشته باشند. آن اولویت را هم باید تعیین کرده و دانشگاه را در این زمینه مسهم کنیم. مثلا می‌گوییم درآوردی امروز یک اولویت برای کشور است، سهم دانشگاه‌ها می‌کنیم یک راه‌حل برای دانشگاه‌های مختلف ما این است که از ترم اولیه، این ماموریت تعیین شود و کسی که رئیس دانشگاه است باید بداند که چنین ماموریتی را باید به سرانجام برساند. این‌گونه یک نهضت حل مسائل در کشور ایجاد می‌شود و این تنها در مسائل فنی هم نخواهد بود، بعضی اگر از اشتغال صحبت می‌کنیم یکی از ماموریت‌هایی که خود دانشگاه باید در آن پیشگام شود ایجاد شغل برای دانشجویان و دانش‌آموختگان خودش است. این ظرفیت خوبی که امروز در حوزه دانش‌بنیان داریم می‌تواند این امر را محقق کند. در حوزه علوم انسانی هم همین است و ما مسائل مختلفی در کشور داریم و در حال تخصیص داده‌ایم. بنده معتقدم که در برنامه هفتم هم می‌گوییم رشد هشت درصدی، سوال این است که این رشد چگونه به دست می‌آید؟ این‌طور نیست که بگوییم خیلی خب، ما چند پروژه را به چندین وزارتخانه می‌دهیم و آنها هم انجام دهند. مثلا ما چندین شاخص در این زمینه داریم، یعنی مثلا می‌گوییم

ادامه در صفحه ۵

مسعود پزشکیان:

با اخراج اساتید و دانشجویان توسط کمیته‌های انضباطی مخالفم

اولین مسئولیت شما بعد از پیروزی انقلاب، از بیمارستان شروع شده است؟

اولین مسئولیت ما به‌صورت رسمی این بود که مسئولیت گزینش را در دانشگاه در اوایل انقلاب داشتیم. وقتی این مسئولیت را پیدا کردیم، هیچ کسی را اخراج نکرده و با هیچ استادی قانونی برخورد نکردیم، مگر اینکه از لحاظ قانونی باید دادگاه تصمیم می‌گرفت. در بسیاری از دادگاه‌ها، خیلی از اساتید را اخراج کردند اما ما هیچ کس را اخراج نکردیم، چون خودمان را در جایگاه قاضی قرار ندادیم که با کسی برخورد سیاسی کنیم. حتی از اساتید به‌شدت دفاع می‌کردیم، درحالی‌که آن زمان قدرت داشتیم اما هیچ‌گاه به استادی بی‌احترامی نکردیم. حتی زمانی که بنده وزیر شدم هم امکان نداشت استادی بیاید و بنده جلوتر از او وارد اتاق شوم. مساله دیگری که باید به آن اشاره کنم اینکه هیچ ممکن است وقتی از حق و عدالت صحبت می‌کنیم، اگر کسی در جامعه‌ای حق را می‌گوید، تا او برخورد نکنیم؟ امروز در این جامعه دانشجو در یک جریانی اعتراض کرده، حالا آمده‌اند او را بیرون و تحریم کرده‌اند. حالا می‌پرسیم چرا او را بیرون کرده‌اید؟ یک انگی هم به او چسبانده‌اند. کسی که حرف حق را می‌زند، باید با او برخورد کنیم؟ به جای برخورد با او باید خودمان را اصلاح کنیم.

با اخراج اساتید و دانشجویان توسط کمیته‌های انضباطی مخالفم

دانشگاه در اوایل انقلاب داشتیم. وقتی این مسئولیت را پیدا کردیم، هیچ کسی را اخراج نکرده و با هیچ استادی قانونی برخورد نکردیم، مگر اینکه از لحاظ قانونی باید دادگاه تصمیم می‌گرفت. در بسیاری از دادگاه‌ها، خیلی از اساتید را اخراج کردند اما ما هیچ کس را اخراج نکردیم، چون خودمان را در جایگاه قاضی قرار ندادیم که با کسی برخورد سیاسی کنیم. حتی از اساتید به‌شدت دفاع می‌کردیم، درحالی‌که آن زمان قدرت داشتیم اما هیچ‌گاه به استادی بی‌احترامی نکردیم. حتی زمانی که بنده وزیر شدم هم امکان نداشت استادی بیاید و بنده جلوتر از او وارد اتاق شوم. مساله دیگری که باید به آن اشاره کنم اینکه هیچ ممکن است وقتی از حق و عدالت صحبت می‌کنیم، اگر کسی در جامعه‌ای حق را می‌گوید، تا او برخورد نکنیم؟ امروز در این جامعه دانشجو در یک جریانی اعتراض کرده، حالا آمده‌اند او را بیرون و تحریم کرده‌اند. حالا می‌پرسیم چرا او را بیرون کرده‌اید؟ یک انگی هم به او چسبانده‌اند. کسی که حرف حق را می‌زند، باید با او برخورد کنیم؟ به جای برخورد با او باید خودمان را اصلاح کنیم.

شما اگر رئیس جمهور شوید چه تدبیری برای متوقف کردن ماشین اخراج اساتید و اعاده حیثیت از کسانی که اخراج شده‌اند، خواهید داشت؟

بنده به‌هیچ‌وجه اخراجی مخالفم. بنده اول و بعد از انقلاب، مسئول گزینش و پاکسازی بعد از دانشگاه‌های من یک استاد و کارمند را هم اخراج نکردم. بنده چه کاره هستم در این زمینه؟ اگر فردی جرمی مرتکب شده، دادگاه باید برای آن حکم دهد و او را اخراج کند؟ اما بنده به‌عنوان یک فرد اگر با کسی مساله‌ای دارم او را اخراج کنم، این کار هیچ منطقی ندارد. رفتارهایی که دفاع می‌کردیم، درحالی‌که آن زمان قدرت داشتیم اما هیچ‌گاه به استادی بی‌احترامی نکردیم. حتی زمانی که بنده وزیر شدم هم امکان نداشت استادی بیاید و بنده جلوتر از او وارد اتاق شوم. مساله دیگری که باید به آن اشاره کنم اینکه هیچ ممکن است وقتی از حق و عدالت صحبت می‌کنیم، اگر کسی در جامعه‌ای حق را می‌گوید، تا او برخورد نکنیم؟ امروز در این جامعه دانشجو در یک جریانی اعتراض کرده، حالا آمده‌اند او را بیرون و تحریم کرده‌اند. حالا می‌پرسیم چرا او را بیرون کرده‌اید؟ یک انگی هم به او چسبانده‌اند. کسی که حرف حق را می‌زند، باید با او برخورد کنیم؟ به جای برخورد با او باید خودمان را اصلاح کنیم.

اولین مسئولیت شما بعد از پیروزی انقلاب، از بیمارستان شروع شده است؟

اولین مسئولیت ما به‌صورت رسمی این بود که مسئولیت گزینش را در دانشگاه در اوایل انقلاب داشتیم. وقتی این مسئولیت را پیدا کردیم، هیچ کسی را اخراج نکر